

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
 صفحه آرایی: حمید یزدانی، امید روشنگر و سعید غفوری، ویرایش عکس: کامبیز نویدی
 صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه
 و با تشکر ویژه از دیگر همکاران مؤسسه همشهری



صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
 تلفن: ۲۳۰۰۰۰۰۰
 نامبر: ۲۳۰۰۰۰۰۰
 چاپ: همشهری
 توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
 پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:
 دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
 تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
 سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
 سر نخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارکوی،
 کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
 جایزه می‌گیرند

نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org ۲۳۰۲۲۴۵۵-۲۴۴

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما از سال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.

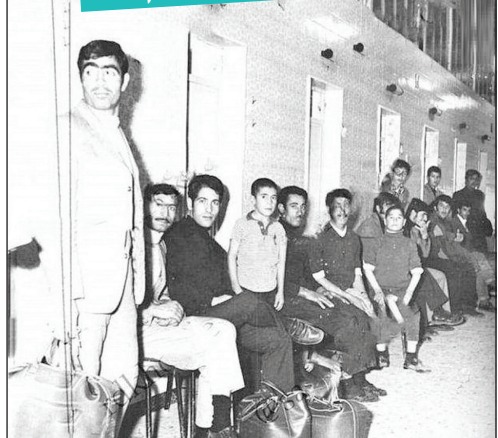
فارغ التحصیلی با کله قند روسی!



در روزگاری نه چندان دور در شهر تهران، همین قدر که بچه‌ها از پس کارهای شخصی خود برمی آمدند، راهی مکتبخانه می‌شدند که اغلب اتاق بزرگی در گوشه مسجد یا خانه مکتب دار بود. مکتب‌دارهای مرد را میرزا یا ملاباشی وزن‌ها را ملاباشی می‌گفتند. «سه‌پاره»، «عم‌چیز»، «تاریخ و صاف»، «گلستان سعدی»، «جامع عباسی»، «دیوان حافظ» و «نصاب‌الصبيان فراهی» از کتاب‌های متداول آموزشی در مکتبخانه‌ها بود که پس از پایان هر کتاب، درس جدید شروع می‌شد. چند روز زودتر هم به خانواده‌ها خبر می‌دادند تا علاوه بر تهیه کتاب، برای دهان‌شیرین کنی معلم‌شان هدیه‌ای که «کله قند روسی» بود به خانه ملاباشی یا ملاباشی بفرستند. رایج‌ترین ابزار تنبیه در مکتبخانه «فلک» و ترکه‌آلبویی بود که به فراخور میزان غفلت و کوتاهی دانش‌آموز، از آن استفاده می‌شد تا درس عبرتی برای دیگر دانش‌آموزان باشد.

● بهاره خسروی

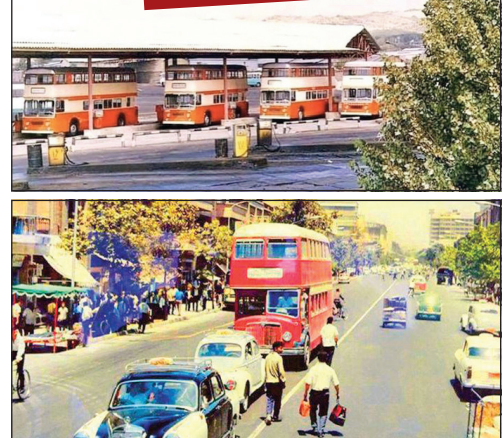
نخستین گرمابه مدرن به نیت کشور خانم!



نخستین دوش حمام در زمان ناصرالدین شاه وارد کشور شد. این حمام دوش دار را «کلنل نیگلا سمینو» در دروازه دولت راه‌اندازی کرد، اما استقبال چندانی از آن نشد تا اینکه در دوران پهلوی اول، استفاده از خزینه‌ها ممنوع شد؛ چرا که مسئولان بهداشتی، خزینه‌ها را از مرکزهای اصلی بیماری‌های واگیردار می‌دانستند. نخستین حمام نمره مدرن را سال ۱۳۲۶ فردی به نام «سلیمان سنه» تاجر به نیت همسرش «کشور خُدا»، در محله عودلجان ساخت. گویا همسر او زمانی که باردار و در یکی از گرمابه‌های محله عودلجان بود چنین‌اش سقط می‌شود. برای همین کشورخانم از همسرش می‌خواهد تا گرمابه‌ای در محله بسازد که در نوع خود بی‌نظیر باشد. این گرمابه در خیابان شهید مصطفی خمینی ۵۵هپم سال ۱۳۹۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد.

● ابوذر چهل امیرانی

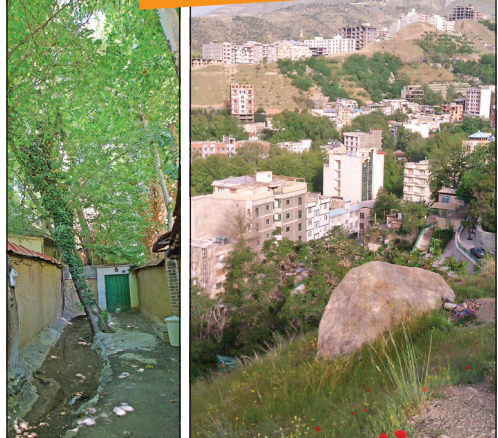
روزگاری که اتوبوس سواران لژ نشین بودند



حدود ۳ دهه از خداحافظی اتوبوس‌های ۲ طبقه که یکی از قدیمی‌ترین ایستگاه‌های آن حوالی سهره افسریه بود، می‌گذرد. البته این ایستگاه، بعدها به خیابان هنگام منتقل شد. نخستین اتوبوس‌های ۲ طبقه‌ای که از انگلیس به تهران آمد قرمز رنگ و در ۴ مسیر میدان امام حسین (ع) به میدان انقلاب، دانشگاه پلیس یا زندان قصر فعلی به میدان امام خمینی (ره)، سیدخندان تا دروازه شمیران و دانشگاه علم و صنعت تا میدان امام حسین (ع) فعال بود. آن زمان برخی‌ها معتقد بودند طبقه ۲ اتوبوس به دلیل زاویه دید مناسب، مثل لژ سینماست و کسانی که طبقه دوم اتوبوس می‌نشستند لژ نشین هستند. این اتوبوس‌ها کلاچ نداشت و رانندگی با آنها خیلی آسان بود. راننده داخل یک کابین می‌نشست و شاگرد در طبقه بالا هر وقت کسی می‌خواست پیاده شود روی داشبورد ضرب می‌گرفت تا راننده ماشین را نگه دارد.

● پریسا نوری

طایفه اذون یا گلابی روسی؟



درباره نام محله اوین که در بسیاری از منابع تاریخی آمده روایت‌های متفاوتی وجود دارد. «یاقوت حموی» در کتاب معجم‌البلدان از روستایی به نام اذون در غرب شمیران نام برده است. اگرچه دیگر در میان آبادی‌های امروز شمیران اثری از نام اذون نیست اما علیرضا زمانی، تهران‌شناس می‌گوید: دکتر حسین کریمان، در کتاب «تهران در گذشته و حال» نوشته‌واژه اذون در گذر زمان به ایون و پس از آن به اوین تغییر نام داده و برای سندیت این مدعا هم شواهدی از تغییر برخی کلمات در زبان رایج اهالی شمیران ارائه کرده است. «زمانی می‌گوید: «برخی دیگر به دلیل وجود باغ‌های گلابی در این محدوده، سراغ ریشه نام ایون رفته‌اند. آنها واژه ایون را با واژه روسی «ایوا» به معنای گلابی، مرتبط دانسته‌اند. این روایت اما در منابع مکتوب اعتباری ندارد.»

● حسن حسن زاده

کوی دانشگاه تهران در مزرعه پنبه امیرکبیر



امیرآباد یا محله کوی دانشگاه فعلی را سال‌ها پیش میرزا تقی خان امیرکبیر، زمانی که برای کاشت پنبه به دنبال اراضی مطلوبی در خارج از شهر تهران بود، کشف و آباد کرد و از آن سال اینجا امیرآباد شد. جنگ جهانی دوم که شروع شد آمریکایی‌ها برای اسکان سربازان شان در امیرآباد خوابگاه‌هایی ساختند و تا پایان جنگ همانجا ماندند. آمریکایی‌ها که از ایران رفتند به پیشنهاد ریاست وقت دانشگاه تهران، خوابگاه‌ها به دانشگاه تهران واگذار و بهمن سال ۱۳۲۴، ۳۰۰ دانشجو که اغلب از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی بودند اینجا ساکن شدند در اتاق‌هایی که یک نفر به راحتی و ۲ نفر به سختی در آن زندگی می‌کردند. دانشگاه تهران بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران است که سال ۱۳۱۳ شمسی افتتاح شد.

● نصیبه سجادی